

تکنیک‌های تصمیم‌گیری در حسابداری مدیریت از دیدگاه اسلامی

فرشید خیراللهی*

محمد ندیری**

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۱

چکیده

روش‌های اتخاذ شده در حسابداری مدیریت متعارف جهت انتخاب از میان دو یا چند راهکار، هم در تصمیم‌گیری‌های بلندمدت و هم کوتاه‌مدت، با اهداف کلی اسلام در مدیریت شرکت‌ها دارای تعارض است. در مقاله حاضر به بررسی مقاله‌ها و تحقیق‌های مربوطه (شامل قرآن و حدیث) برای تعیین اهداف اسلامی در مدیریت شرکت‌ها پرداخته می‌شود و رویکردی جایگزین جهت انتخاب راهکارهای مختلف پیشنهاد می‌شود که با اهداف اجتماعی-اقتصادی اسلام مطابقت دارد؛ همچنین نشان داده می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت، مقایسه جنبه‌های مختلف منفعت-هزینه به جای تکنیک‌های بودجه‌بندی سرمایه‌ای باید به‌عنوان معیار انتخاب نهایی از میان چند گزینه برای تحقق اهداف اسلامی بکار گرفته شود. روش تحقیق توصیفی و به صورت تحلیلی انتقادی در ارزیابی تکنیک‌های تصمیم‌گیری کنونی در حسابداری مدیریت است. اهداف دیگری که یک سازمان ممکن است؛ علاوه بر حداکثر کردن سود دنبال کند در مقاله حاضر در نظر گرفته نشده است، همچنین تکنیک‌های حسابداری مدیریت از دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است که تحقیقات بسیار اندکی در این زمینه انجام شده است.

واژگان کلیدی

نظریه‌های پاسخگویی از دیدگاه اسلام، تکنیک‌های حسابداری مدیریت متعارف، تکنیک‌های حسابداری مدیریت از دیدگاه اسلامی، منفعت-هزینه

طبقه‌بندی JEL: G00, M41

* استادیار حسابداری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

f.kheirollahi@razi.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه

mamadoooo2013@yahoo.com

مقدمه

عدم کفایت سیستم حسابداری مرسوم در تحقق خواسته‌های جوامع اسلامی به وضوح آشکار است (عبدالکریم،^۱ ۲۰۰۱؛ میرزا^۲ و بیدون،^۳ ۱۹۹۹؛ حنیفه،^۴ ۲۰۰۲). اهداف سازمان‌هایی که بر اساس سیستم حسابداری مذکور رشد می‌کنند؛ همسو با اهداف سرمایه‌داری است و مفروضات آن به هیچ‌وجه در محیط‌های اسلامی مجاز نیستند؛ بنابراین، سازمان‌هایی که برچسب «اسلامی» دارند باید سیستم حسابداری موجود خود را مورد بازنگری مجدد قرار دهند؛ آن را دوباره تعریف کنند یا تغییر دهند و یا سیستم جدیدی از حسابداری را توسعه دهند که مبتنی بر نیاز جوامع اسلامی باشد. به نظر نویسندگانی مانند کمبلینگ^۵ و کریم^۶ (۱۹۹۱) ارتباط بین حسابداری و اسلام می‌تواند ارتباطی چشمگیر و قابل ملاحظه باشد. در عصر سرمایه‌داری در مرحله فعلی زندگی ما، سازمان‌ها تنها در راستای به حداکثر رساندن سود سهامداران فعالیت دارند (فریدمن،^۷ ۱۹۷۰) یا هدف آن‌ها حداکثر کردن ثروت ذینفعان است؛ این حالت بیشتر با ادعای ایفای مسئولیت‌های اجتماعی توسط سازمان‌های سرمایه‌داری همخوانی دارد (جنسن،^۸ ۲۰۰۱). طبق گفته فریدمن (۱۹۷۰)، ادعای ایفای مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها با هدف کسب سود در بلندمدت است. از این رو، هنگامی که ایفای مسئولیت‌های اجتماعی توسط سازمان‌های سرمایه‌داری مطرح می‌گردد، با هدف ایجاد تصویری مطلوب است که شرکت را در موقعیت مناسبی برای به حداکثر رساندن ثروت در آینده قرار دهد. حداکثر کردن ثروت، مفهومی گسترده‌تر با تمرکز بلندمدت است که تنها با هدف به حداکثر رسانیدن ارزش قیمت سهم سهامداران نیست؛ بلکه به حداکثر رساندن ثروت سایر مدعیان مالی مانند اعتباردهندگان نیز مدنظر است (جنسن، ۲۰۰۱). نظریه دیگر برای هدف شرکت‌ها، نظریه ذینفعان است که در آن بیان می‌شود حاکمیت شرکتی باید در تصمیم‌گیری‌ها و تدوین استراتژی‌ها، منافع سایر ذینفعان را نیز به‌طور یکسان در

کنار منافع سهامداران در نظر بگیرد؛ این ذینفعان شامل کارمندان، جامعه، محیط و در موارد افراطی باج خواهان و تروریست‌ها می‌شوند (جنسن، ۲۰۰۱).

حسابداری یک زیرسیستم در سیستم سازمانی است و انتظار می‌رود که تمام زیرسیستم‌ها در جهت دستیابی به هدف کلی شرکت (حداکثر کردن ثروت) به صورت هماهنگ عمل کنند. بدیهی است که حسابداری در جهان مدرن امروزی برای سازمان‌دهی اطلاعاتی انجام می‌شود که در راستای حداکثر نمودن ثروت فعالیت دارند؛ از این رو، «نظریه سودمندی تصمیم»^۹ مطرح شده است که توسط مورر^{۱۰} (۲۰۰۲) به صورت «ارائه حقایق سودمندی تصمیم برای سرمایه‌گذاران بزرگ» توصیف گردیده است. نظریه سودمندی تصمیم یکی از رویکردهای تدوین نظریه حسابداری می‌باشد که مبتنی بر پذیرش هدف سودمندی اطلاعات جهت تصمیم‌گیری است. این رویکرد به دو شاخه منشعب می‌شود: اول مکتب مدل‌های تصمیم‌گیری و دوم مکتب تصمیم‌گیرندگان. در مکتب اول اطلاعات برای مدل تصمیم‌گیری مشخص می‌شود و رویه‌های مختلف حسابداری با توجه به اطلاعات موردنیاز برای مدل‌های تصمیم‌گیری با هم مقایسه می‌شوند و در مکتب دوم تصمیم‌گیرندگان کانون توجه می‌باشند و برای تعیین روش‌های گزارشگری برتر، واکنش تصمیم‌گیرندگان به اطلاعات مختلف حسابداری مطالعه می‌شود. کام^{۱۱} (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که اگرچه در نظریه سودمندی تصمیم ادعا می‌شود که اطلاعات موردنیاز برای تصمیم‌گیری همه ذینفعان ارائه می‌گردد؛ اما بیشتر مقاله‌ها و تحقیق‌های مرتبط با سودمندی تصمیم مربوط به نیازهای اطلاعاتی اعتباردهندگان و سهامداران است، همچنین اطلاعاتی مفید است که بتواند زمان‌بندی و مبلغ سود یا توانایی شرکت را در ایفای تعهدات پیش‌بینی کند (حمید و یحیی، ۲۰۰۵).

بر اساس موارد فوق، کلیه اصول و تکنیک‌های حسابداری منطبق بر نظریه سودمندی تصمیم است؛ به عبارت دیگر، از آنجاکه هدف شرکت‌ها در جوامع اسلامی

به موازات آن چیزی است که در جهان سرمایه‌داری به دست می‌آید، پس این نظریه دارای نقصان کلی در تأمین اهداف اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر اسلام است. حسابداری مدیریت شاخه‌ای از حسابداری است که شامل ارائه اطلاعات بهای تمام‌شده و... به مدیریت جهت برنامه‌ریزی، کنترل و تصمیم‌گیری می‌شود (دراری^{۱۲}، ۲۰۰۴؛ لوسی^{۱۳}، ۲۰۰۳)؛ لذا هدف این شاخه از حسابداری نیز به حداکثر رسانیدن ثروت شرکت و سهامداران است؛ بنابراین هدف مقاله حاضر تعیین مناسب بودن تکنیک‌های تصمیم‌گیری حسابداری مدیریت متعارف در مدیریت شرکت‌های جوامع اسلامی است.

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

نظریه معیاری است که شیوه‌های جدید و موجود با توجه به آن توسعه می‌یابند و ارزیابی یا اندازه‌گیری می‌شوند یا مجموعه‌ای از ساختارها، مفاهیم، تعاریف و گزاره‌های مرتبط است که از طریق تعیین روابط میان متغیرها با نگرشی سیستماتیک، با هدف توضیح و پیش‌بینی، این پدیده‌ها را ارائه می‌دهد (کرلینگر،^{۱۴} ۱۹۶۴)؛ با محدود کردن این تعریف به حسابداری، هندریکسن^{۱۵} (۱۹۷۷) نظریه حسابداری را این‌طور تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از اصول گسترده که از طرفی یک چارچوب به‌عنوان مرجع کلی ارائه می‌دهد که عمل حسابداری را می‌توان بر اساس آن ارزیابی کرد و از طرف دیگر توسعه شیوه‌ها و روش‌های جدید را هدایت می‌کند؛ بنابراین، نظریه حسابداری باید نتیجه هر دو روند ساخت و تأیید نظریه باشد (بلکویی،^{۱۶} ۲۰۰۴). با در کنار هم قرار دادن این تعاریف می‌توان دید که نیاز به نظریه در هر زمینه‌ای برای توجیه سازگاری شیوه موجود در آن حوزه با هدف آن است و همچنین مبنایی برای اندازه‌گیری مقبولیت و یا عدم مقبولیت هر نوع روش جدید برای انجام فعالیت در آن حوزه ارائه می‌دهد؛ بنابراین، حسابداری اسلامی نیاز به یک نظریه دارد که ما را قادر به توضیح و قضاوت شیوه‌های فعلی آن نماید و معیار توسعه روش‌های جدید باشد. هر

رویکردی در ساخت نظریه حسابداری با یک هدف شروع می‌شود. اهداف، محرک‌های اصول و مفروضات هستند که در نهایت منجر به تکنیک‌های حسابداری می‌شوند (بلکویی، ۲۰۰۴). وجود یک نظریه شناخته‌شده برای هرگونه فعالیت تحقیقاتی امری اساسی است که به کشف حقایق جدید یا تأیید دانش موجود می‌انجامد؛ بنابراین، پژوهش مبتنی بر نظریه است و پژوهش نظریه را توسعه می‌دهد (ایتانگا، ۱۹۹۸^{۱۷}).

برای بیان اهمیت نظریه در پژوهش، تریکر دو مدل پایه برای تحقیق حسابداری را توضیح می‌دهد. مدل اول تحت عنوان کنترل بر اساس نتایج^{۱۸} از یک نظریه شناخته‌شده شروع می‌شود و یک فرضیه را توسعه می‌دهد و حقایق برای آزمون این فرضیه جمع‌آوری می‌شود، اگر فرضیه درست باشد، یک نظریه جدید ظهور می‌کند و اگر فرضیه غلط باشد، دوباره تدوین می‌شود. روش دوم تحت عنوان مدل بازخورد دنیای واقعی را مشاهده می‌کند و یک مدل بر اساس نظریه شناخته‌شده‌ای پیشنهاد می‌دهد؛ داده‌ها جمع‌آوری و پردازش می‌شوند، هنگامی که مدل با دنیای واقعی و یک نظریه شناخته‌شده مطابق باشد، نظریه شکل داده می‌شود (ایتانگا و اشنایدر، ۲۰۰۵).

می‌توان نتیجه گرفت که پذیرش هر پیشرفتی در حسابداری اسلامی وابسته به تطابق یا عدم تطابق چنین کشفی با یک نظریه شناخته‌شده در حسابداری اسلامی خواهد بود. به همین ترتیب، این نظریه باید بازتابی باشد از آنچه که در حسابداری اسلامی به‌عنوان دستاورد و هدف پیشنهاد می‌شود.

۱-۱. نظریه ذینفعان و نظریه به حداکثر رساندن ثروت سهامداران

سود طبق فلسفه سرمایه‌داری، هدف نهایی است. تمام فعالیت‌های کسب‌وکار به‌منظور افزایش ثروت صاحبان سهام است (جنسن، ۲۰۰۱). همه استراتژی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های فعلی و آتی باهدف افزایش ثروت ذینفعان است. استخدام افراد متخصص، پرداخت حقوق و مزایای قابل توجه به کارکنان، اقدامات خیرخواهانه سازمان

و انتشار استانداردهای اخلاقی همه ابزاری برای به حداکثر رساندن ثروت صاحبان سهام هستند (فریدمن، ۱۹۷۰).

طرفداران نظریه سهامدار استدلال می‌کنند که چون سازمان‌ها متعلق به سهامداران هستند، وظیفه اخلاقی و حقوقی مدیران این است که زمان تعیین اهداف و تصمیم‌گیری، تنها ادعاهای سهامداران را در نظر بگیرند (کمپبل، ۲۰۰۸)^{۱۹}. به‌طور خلاصه، در نظریه حداکثر کردن ارزش باور بر این است که مدیران باید همه تصمیم‌ها را به‌گونه‌ای اتخاذ نمایند که ارزش بازار شرکت را در بلندمدت افزایش دهند. ارزش کل، مجموع ارزش همه ادعاهای مالی در شرکت شامل سهام، اوراق قرضه، سهام ممتاز و اوراق اختیار خرید است (جنسن، ۲۰۰۱). بنابراین، تنها تصمیم‌هایی مناسب هستند که ثروت سهامداران را افزایش دهند؛ در مقابل طبق نظریه ذینفعان استدلال می‌شود که چون سازمان تجاری جزئی از اجتماع است و از حفاظت، حمایت و منافع آن بهره می‌برد، باید تأمین‌کننده منافع کلیه گروه‌ها باشد (کمپبل، ۲۰۰۸)؛ این به معنای به رسمیت شناختن ادعاهای کلیه ذینفعان هنگام تصمیم‌گیری در مورد استراتژی‌هاست. ذینفعان، گروه‌ها یا افرادی هستند که ممکن است منافع آن‌ها متأثر از اهداف سازمان باشد یا بر روی دستیابی سازمان به اهداف خود اثرگذار باشند (فریمن، ۱۹۸۴)^{۲۰}. جنبه مهم نظریه ذینفعان به رسمیت شناختن وجود سهامداران و ادعاهای آن‌هاست.

این دو مکتب فکری به‌طور مداوم موضوع بحث‌های پرفرازونشیب در مورد تناسب و یا عدم تناسب گزاره‌های یکدیگر بوده‌اند. در نظریه ذینفعان استدلال می‌شود که نه تنها سهامداران بازیگران کلیدی در دستیابی به اهداف شرکت هستند؛ بلکه سایر گروه‌ها نیز مانند سهامداران ذینفع هستند. از این‌رو، نفع آن‌ها باید در تصمیم‌گیری و تدوین استراتژی در نظر گرفته شود (فریمن، ۱۹۸۴؛ کمپبل، ۲۰۰۸؛ فریمن و مکوی^{۲۱}، ۲۰۰۱؛ دونالدسون^{۲۲} و پرستون^{۲۳}، ۱۹۹۵).

طبق گفته جنسن (۲۰۰۱) رفتار هدفمند نیاز به وجود یک تابع هدف تک ارزشی دارد، برای اندازه‌گیری بهتر در برابر بدتر، باید یک معیار تک وجود داشته باشد. به گفته جنسن (۲۰۰۱) به حداکثر رساندن در بیش از یک بعد در یک زمان به‌طور منطقی غیرممکن است، مگر اینکه این ابعاد تبدیلات یکنواختی از یکدیگر باشند؛ بنابراین، اگر به مدیر گفته شود سودهای فعلی، سهم بازار، رشد سود آینده و هر چیز دیگری را به حداکثر برساند؛ او بدون هدف رها شده است که نتیجه چنین کاری سردرگمی و فقدان هدف خواهد بود و شرکت را در رقابت برای بقا عقب خواهد انداخت. شرکت می‌تواند این ابهام را با تعیین یک تابع هدف کلی حل و فصل کند. جنسن (۲۰۰۱) علاوه بر این بیان می‌کند که نظریه ذینفعان با نظریه حداکثر کردن ارزش سازگار خواهد بود با این استدلال که شرکت‌ها باید به تمام حوزه‌هایی که می‌توانند شرکت را تحت تأثیر قرار دهند توجه کنند.

در هر نظریه کنشی باید برای بازیگران صحنه (در این مورد، مدیران و هیئت مدیره) مشخص شود که چگونه از میان منافع رقابتی و متناقض بهترین راه حل را انتخاب کنند. مشتریان به دنبال قیمت پایین، کیفیت بالا، خدمات ارزشمند و غیره هستند. کارمندان به دنبال دستمزد بالا، شرایط کاری با کیفیت بالا و بهره‌مندی از مزایا شامل تعطیلات، مزایای درمانی، بازنشستگی و غیره هستند. تأمین‌کنندگان سرمایه خواهان ریسک کم و بازده بالا هستند. جوامع خواهان کمک‌های خیریه زیاد، هزینه‌های اجتماعی توسط شرکت‌ها به نفع جامعه و به‌طور کلی، اشتغال پایدار، افزایش سرمایه‌گذاری و غیره هستند و همین جریان در هر حوزه‌ای قابل تصور است. بدیهی است که هر معیار تصمیم‌گیری نیز همین‌طور است و تابع هدف در هسته هر معیار تصمیم‌گیری و خواسته‌های متناقض قرار دارد (جنسن، ۲۰۰۱). با این حال، طرفداران حداکثر کردن ارزش می‌پذیرند که شرکت نمی‌تواند ارزشش را با نادیده گرفتن نفع و حقوق سهامداران به حداکثر برساند (جنسن، ۲۰۰۱). بدیهی است که این دیدگاه در

حال حاضر میان این دو دیدگاه مخالف یک همگرایی ایجاد می‌کند (فریمن و مکوی). این همگرایی طبق گفته جنسن (۲۰۰۱) نظریه روشنفکرانه ذینفعان است. طبق این نظریه، درحالی که تابع هدف شرکت، حداکثر کردن ارزش کل بازار شرکت در بلندمدت است ممکن است اهداف تعیین شده دیگری نیز باشند که در راستای این هدف بلندمدت، در کوتاه مدت دنبال شوند؛ برای مثال تجارت می‌تواند رضایت مشتریان را به عنوان یک هدف کوتاه مدت تعیین کند، به این منظور که این امر می‌تواند به وفاداری مشتری و بازگشت سرمایه بیشتر در طولانی مدت منجر گردد.

۲. پیشنهاد تحقیق

در این زمینه تحقیق خاصی در کشور ما صورت نگرفته است؛ ولی به موضوع‌های مرتبط انجام شده اشاره می‌شود.

شادیه رحمان و سید حسین صالح‌نژاد در سال (۱۳۸۴) در تحقیقی به عنوان استانداردهای حسابداری اسلامی به این نتیجه رسیدند که تکنیک‌های حسابداری انگلیسی^۵ آمریکایی نمی‌توانند به آسانی در اقتصاد اسلامی به کار گرفته شوند؛ بنابراین برای حسابداران مسلمان مهم است که استانداردهایی را توسعه دهند که به طور خاص مناسب نیازهای اسلامی باشد.

فرهاد جابرزاده و داریوش مختاری در سال (۱۳۸۸) در تحقیقی به عنوان «تأثیر ربا و زکات بر حسابداری اسلامی» به این نتیجه رسیدند که حسابداری اسلامی یک فعالیت ارزش‌گرایانه است و شرح و بسط آن، جنبه‌های اجتماعی، مادی، معنوی و اخلاقی را در بر می‌گیرد، از این رو دو مسئله ربا و زکات در حسابداری اسلامی بسیار مهم هستند. ربا در حسابداری اسلامی بر ساختار سرمایه شرکت و بر روش افشاگری شرکت تأثیر دارد. همچنین لازم است گزارش‌های مالی اسلامی مسلمانان را قادر به تعیین دین زکات نماید که در نهایت به عدالت اجتماعی برسند.

علی‌اکبر نونهال‌فر و محمد ابراهیم‌پور در سال (۱۳۸۸) در تحقیقی به‌عنوان "مبانی اولیه حسابداری اسلامی" این موضوع را مورد بررسی قرار دادند که حسابداری برای بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی، حسابداری اسلامی نیست؛ بلکه زیرمجموعه‌ای از آن است. همچنین حسابداری اسلامی فقط اصطلاحات فنی حسابداری برای ابزار مالی مورد استفاده بانک‌های اسلامی نیست؛ بلکه فراتر از آن است که مستلزم تمامی حوزه‌های جدید اندازه‌گیری عملکرد شامل عملکرد اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فقهی می‌باشد.

ملک میرزا^{۲۴} در سال ۱۹۹۹ در تحقیقی به‌عنوان "آیا جوامع مسلمان در حسابداری خود نیاز به استانداردهای حسابداری اسلامی دارند؟" به این نتیجه رسیدند که در جوامع اسلامی مردم به استفاده از منافع کسب و کاری که در آن ربا مجاز باشد دلسرد هستند به خاطر این موضوع است که در جوامع اسلامی باید یک نظام حسابداری اسلامی حاکم گردد.

ایوان تریونو^{۲۵} در سال (۲۰۰۴) در تحقیقی به‌عنوان "اعتماد یک نماد الهی: تفاسیر در زمینه بانکداری اسلامی و شیوه‌های حسابداری" به این نتیجه رسیدند که در تهیه و انتشار صورت‌های مالی باید از نظر اخلاقی مطابق با هنجارهای شریعت رفتار کرد.

احمد عبدالقادر^{۲۶} در سال (۱۹۹۴) در تحقیقی به‌عنوان "اصول موضوعه حسابداری از دیدگاه اسلامی" به این نتیجه رسید که به‌طور کلی، اصول حسابداری اسلامی برای اجرای عدالت در بانک‌های اسلامی اجرا می‌شود، از این رو تمام اصول و روش‌هایی که به حفظ انصاف و عدالت در بانک‌ها منجر گردد حسابداری اسلامی استفاده می‌شود.

محمود عبدالسلام^{۲۷} در سال (۲۰۰۷) در تحقیقی به‌عنوان "حاکمیت شرکتی از منظر اسلام" به این نتیجه رسید که در حسابداری اسلامی، اساس کار پاسخگویی به خداوند متعال است.

عامر شاکات^{۲۸} و یحیی سوفریبین^{۲۹} در سال (۲۰۱۴) در تحقیقی به عنوان "توسعه نظریه حسابداری بر اساس تکنیک‌های اسلامی" به این نتیجه رسیدند که یکی از بهترین جلوه‌های حسابداری اسلامی، مکانیزم پاسخگویی آن در برابر خداوند است. ملک میرزا در سال (۱۹۹۹) در تحقیقی به عنوان "انتخاب سیاست‌های حسابداری در استفاده از بهره و در برابر محیط زیست" به مبحث ربا و ممنوعیت آن در اسلام پرداخته و قراردادهایی مانند مضاربه را دلیل دوری از این امر می‌داند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر به صورت توصیفی می‌باشد. تحقیق توصیفی آنچه را که هست توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرآیندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد. تمرکز اصلی در درجه اول به زمان حال است، هرچند غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند مورد بررسی قرار می‌دهد. (جان بست،^{۳۰} ۱۳۷۱) این مقاله تحلیلی انتقادی را در ارزیابی تکنیک‌های تصمیم‌گیری کنونی در حسابداری مدیریت اتخاذ می‌کند. همچنین به بررسی متون مرتبط برای تفسیر و شرح پایه و اساس نظریه‌های مربوط به شیوه‌های حسابداری مدیریت معمول می‌پردازد؛ سپس با کاوش هدف یک شرکت اسلامی (برآمده از هدف نظریه پاسخگویی اسلامی)، پایه و اساس نظریه را توضیح و ارائه می‌دهد که باید راهنمای شیوه‌های حسابداری اسلامی باشد؛ سپس بیان می‌شود که نظریه پاسخگویی اسلامی به عنوان راهنمایی برای شیوه‌های حسابداری اسلامی باید به عنوان مکمل حسابداری اسلامی بکار گرفته شود و حسابداری مدیریت معمول نمی‌تواند الزامات اسلامی را هم در نظریه و هم در عمل تأمین کند؛ بنابراین، یک رویکرد تصمیم‌گیری را ارائه می‌دهد که با نظریه پاسخگویی اسلامی مطابقت دارد و در راستای تحقق اهداف اجتماعی-اقتصادی اسلامی یعنی رستگاری است.

۴. نظریه پاسخگویی اسلامی

طبق فلسفه قرآن، تمام فعالیت‌های انسانی باید به سمت دستیابی به رستگاری یک واژه جامع دال بر رفاه همه‌جانبه در زندگی این دنیا و همچنین رفاه آخرت هدایت شوند (صدیقی، ۳۱، ۲۰۰۰).

خداوند متعال می‌فرماید: و در آنچه خداوند به تو ارزانی داشته است، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست ندارد (سوره القصص، آیه ۷۷) ^{۳۲}.

معاملات و یا تجارت یکی از برکات خداست و هرکسی که اقدام به آن‌ها می‌کند انتظار می‌رود که از آن‌ها برای رسیدن به هدف نهایی وجود (رستگاری) استفاده کند. یکی از موضوعات بحث‌برانگیز مسئله ریاست. ربا یا بهره ثابت تمایل به انباشته شدن ثروت در دست تعداد محدودی را تقویت می‌کند؛ بر این اساس علاقه انسان به هموعانش را کاهش می‌دهد، منفعت بدون ریسک را تضمین می‌کند و مانع سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌شود. به خاطر طلب رستگاری است که سازمان‌های اسلامی باید عاری از هرگونه اقداماتی باشند که در اسلام حرام شناخته شده‌اند، از این‌رو به انجام معاملات بدون بهره و ربا نیاز است. خداوند متعال می‌فرماید: آن کسانی که ربا خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند، جز به مانند آنکه به وسوسه شیطان مخبط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند فرقی بین تجارت و ربا نیست؛ حال آنکه خدا تجارت را حلال و ربا را حرام کرده، پس هر کس که اندرز خدا بدو رسد و از این عمل دست کشد خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کارش با خدا باشد و کسانی که دست نکشند اهل جهنم‌اند و در آن جاوید معذب خواهند بود (البقره آیه ۲۷۵) ^{۳۳} اگرچه واژه رفاه در اقتصاد، برخی مرزهای مشترک با مفهوم رستگاری دارد، اما صدیقی (۲۰۰۰، ص ۹)، رستگاری را به شرح زیر توضیح می‌دهد:

رستگاری نباید با واژه «رفاه» حاضر در اقتصاد مدرن اشتباه گرفته شود. «رفاه» به طور عمده به رفاه مادی و یا در بهترین حالت، به رفاه همه جانبه فقط در این دنیا اشاره دارد، اما رستگاری به نفع هر دو جهان اشاره دارد. دوره زندگی پس از مرگ یک واقعیت است، اما طبیعی است که رفاه آن نیز باید طلب شود که این رفاه طبق دیدگاه اسلامی با زندگی این دنیا مغایر نیست.

تغییر از هنجار «رفاه» به رستگاری نشان می دهد که دستیابی به رفاه مادی باید به شیوه ای سازگار همسو و همگام با رفاه در مرحله ای مهم تر و اصلی تر از زندگی یعنی آخرت باشد. این مفهوم خواستار حفظ تعادل منافع است و تأثیری تعدیل کننده روی فردگرایی و تلاش برای سود مادی اعمال می کند.

با توجه به مطالب گفته شده در بالا باز هم جوهره سرمایه گذاری سود کردن است؛ اما لحظه ای که پرسش «هدف» مطرح می گردد، این موضوع بیان می شود که هدف های نادرست این فعالیت ها را به سمت اهداف نامطلوب و اغلب ممنوع می برند و هدف های مناسب آن ها را به سوی اهداف مطلوب و اغلب واجب سوق می دهند (صدیقی، ۲۰۰۰، ص ۲۰).

اگر حداکثر کردن سود تنها هدف وجود یک شرکت باشد، منجر به فعالیت های نامطلوب می گردد؛ که به طور مشهود در مرحله فعلی زندگی ما دیده می شود. با این حال، رفاه مادی به عنوان جزء مهمی از رستگاری قابل انفصال نیست؛ بنابراین، به دست آوردن سود یک هدف فرعی مهم در حیطه رستگاری است. ارتباط بین رستگاری و سود بسیار ساده است. در رستگاری تعریف می شود که چه کاری باید و چطور انجام شود تا سود کسب گردد. باید درک شود که هر چند هدف ما از سرمایه گذاری به دست آوردن سود است؛ اما به طور کلی رستگاری تعیین می کند که چنین هدفی تا چه حد می تواند دنبال شود.

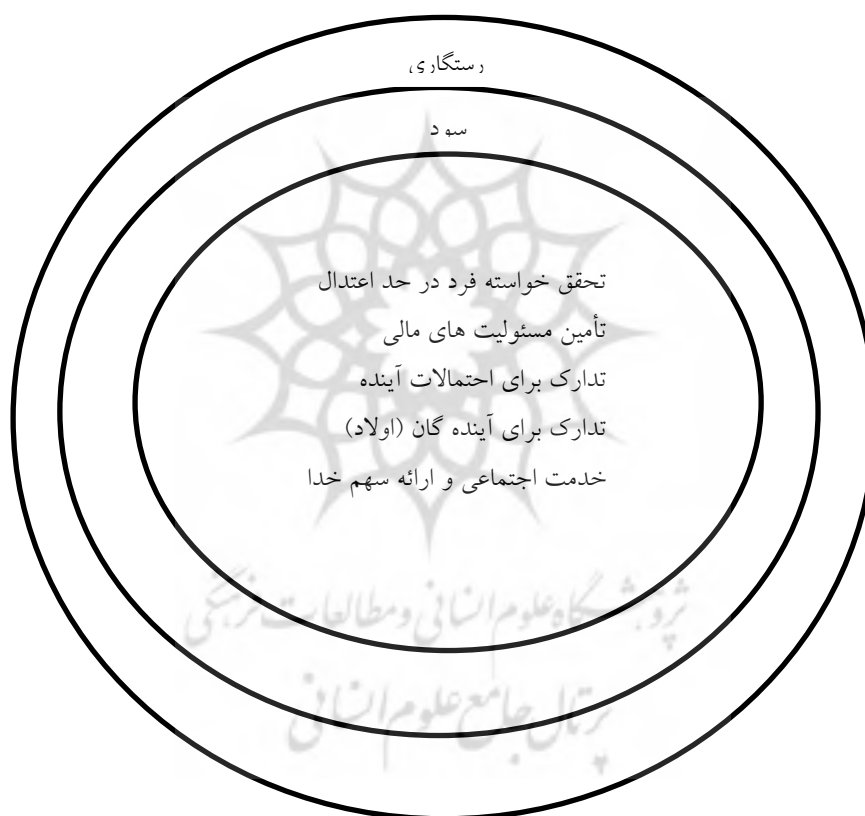
در اینجا تأکید می‌شود که کسب سود الزاماً پیش‌نیازی برای دستیابی به رستگاری نیست. در واقع این دو مفهوم ممکن است دو به دو ناسازگار یا نسبت به هم نامرتب باشند. در حالت اول رستگاری و سود ممکن است دو به دو ناسازگار باشند؛ برای مثال، وقتی یک شرکت انحصاری بازده غیرعادی به دست آورد که به زیان عمومی منجر شود (مثلاً با کاهش قدرت خرید آن‌ها)؛ در این صورت این شرکت سود به دست می‌آورد، اما رستگاری را از دست داده است. باین‌حال، اگر فردی بدون آسیب رساندن به دیگران تنها به دنبال سود باشد، به همان اندازه می‌تواند به دنبال رستگاری باشد. در حالت دوم رستگاری و سود ممکن است نسبت به هم غیر مرتبط باشند؛ به‌عنوان مثال می‌توان یک سازمان غیرانتفاعی را در نظر گرفت که به عموم کمک‌های مالی می‌دهد و بدون انتظار هیچ برگشتی، در پروژه‌های اجتماعی مشارکت می‌کند که این پروژه‌ها تأثیر مثبتی در زندگی مردم دارند. این نوع سازمان غیرانتفاعی به رستگاری رسیده است ولی سود مادی را به دست نیاورده است. باین‌حال، اهمیت موضوع در این است که هدف یک شرکت که به دنبال سود است، اگرچه سود هدف نهایی نباشد؛ بلکه ابزاری برای دستیابی به هدف اجتماعی - اقتصادی اسلامی (رستگاری) باشد، می‌تواند با دنبال کردن رستگاری تعارض نداشته باشد.

طبق گفته صدیقی (۲۰۰۰) اهداف مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی انسان در اسلام را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. تحقق خواسته فرد در حد اعتدال؛
۲. تأمین مسئولیت‌های مالی؛
۳. تدارک برای احتمالات آینده؛
۴. تدارک برای آیندگان (اولاد)؛
۵. خدمت اجتماعی و ارائه سهم خدا.

سود در اسلام یک هدف مطلق نیست، بلکه یک وسیله برای رسیدن به هدف است. به طور خلاصه، سود در راستای رستگاری که متعاقباً در جهت دستیابی به اهداف فوق هدایت می شود، جوهره وجود یک سازمان است. یک مدل مفهومی از موارد فوق، به شرح زیر، درک بهتری از این دیدگاه به ما می دهد:

شکل (۱). کاربرد پنج هدفی سود ایجاد شده در جهت رستگاری



کاربرد پنج هدفی سود رسم شده در مدل فوق، در مورد اهداف مناسب برای فعالیت های اقتصادی - اسلامی طبق نظر (صدیقی ۲۰۰۰) است. تحقق خواسته فرد در حد اعتدال با بخشی از سود سروکار دارد که به سمت صاحبان سرمایه جریان می یابد.

تأمین مسئولیت‌های مالی به مسائلی ناشی از روابط قراردادی بین سهامداران و اشخاص ثالث، از جمله کارکنان و مدیریت می‌پردازد. تدارک‌ها به احتمالات آینده مربوط به ذخایر است که به توسعه آینده شرکت کمک می‌کنند و مسائل زکات و صدقه تحت خدمات اجتماعی و سهم خدا قرار می‌گیرند.

این ادعا با سه بُعد در نظر گرفته شده توسط شریعت نیز سازگار است. شریعت اسلامی سه بُعد مهم را در مورد تعهدات مردم به شرح زیر می‌داند:

۱. عمل به تعهدات خدا و همواره به دنبال خشنودی او بودن (حقوق الله)؛
۲. عمل به تعهدات به جامعه (حقوق العباد)؛
۳. تأمین نیازهای خود (حقوق النفس)..

با پیروی از شریعت اسلامی، انسان قادر به تحقق بخشیدن منافع برای امت اسلامی قبل از دنبال کردن منافع خود می‌باشد. اسلام اولویت را پیش از نیازهای افراد به نیازهای امت می‌دهد. هر زمان که تضاد منافع ایجاد شود، باید ابتدا نیاز امت تأمین شود (حنیفه^{۳۴} و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۵) گفته‌های کمال^{۳۵} (۲۰۰۶)، لوئیس^{۳۶} (۲۰۰۱) در راستای این موضوع‌اند. چندین محقق تعدادی از اهداف کلیدی حسابداری اسلامی را شناسایی کرده‌اند (تری ایوونو^{۳۷}، ۲۰۰۴؛ AAOIFI و میرزا و بیدون،^{۳۸} ۱۹۹۹)؛ چنین اهدافی عوامل تعیین‌کننده اساسی روش‌های حسابداری هستند که باید در محیط‌های اسلامی اتخاذ شوند. این اهداف عبارت‌اند از:

الف) سودمندی برای تصمیم‌گیری
این هدف توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) پیشنهاد شده است. در بیانیه شماره یک این سازمان بیان شده است که اهداف حسابداری مالی نوع و ماهیت اطلاعاتی را تعیین می‌کند که باید در گزارش‌های مالی برای کمک به استفاده‌کنندگان این گزارش‌ها در تصمیم‌گیری ارائه شود. این اطلاعات شامل موارد زیر است:

۱. اطلاعات مربوط به رعایت شریعت توسط بانکها؛
۲. اطلاعات مربوط به منابع اقتصادی و تعهدات و آثار رویدادها؛
۳. اطلاعات لازم برای تعیین زکات؛
۴. اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی؛
۵. اطلاعات لازم برای ارزیابی مسئولیت‌های امانی بانکها برای حفاظت منابع و سرمایه‌گذاری‌های آن؛
۶. اطلاعات مربوط به ایفای مسئولیت اجتماعی توسط بانک.

(ب) مباشرت

مباشرت یعنی انسان در برابر خداوند امانت‌دار منابعی است که به او سپرده شده است. انسان به‌عنوان کارگزار یا نماینده خدا، مسئول به‌کارگیری منابع نه‌تنها برای خود بلکه برای دیگران به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی است. میرزا و بیدون ضمن دفاع از این هدف، پیشنهاد کرده‌اند که وظیفه مباشرت باید کانون توجه حسابداران مؤسسات مالی اسلامی برای گزارشگری به اشخاص برون‌سازمانی باشد.

(ج) پاسخگویی اسلامی

بر اساس مفاهیم قرآنی، انسان خلیفه الله است که امانت الهی به او سپرده شده است. انسان نه‌تنها در قبال مسائل معنوی بلکه در رابطه با موضوعات اجتماعی، تجاری و قراردادی باید پاسخگو باشد، زیرا خداوند به انسان دستور داده است هر آنچه را به او سپرده شده است بازگرداند.

نظریه پاسخگویی اسلامی که توسط حمید و یحیی (۲۰۰۵) پیشنهاد شده است، نظریه سودمندی تصمیم‌گیری، نظارت و پاسخگویی را به‌صورت یک کل درمی‌آورد (یعنی پاسخگویی اسلامی). توجیه این نظریه از این مطلب ناشی می‌شود که کل جهان و همه تجلی‌های آن متعلق به خداست (سوره البقره، آیه ۲۸۴)^{۳۹} و انسان توسط خدا

منصوب شده است که از آن‌ها مراقبت کند؛ درحالی‌که قدرت و تسلط نهایی هنوز با خداست. این رابطه واسطه‌ای، انسان را ملزم می‌دارد که برای اعتماد سپرده شده به او پاسخگو باشد.

درک ما از سطح دوم پاسخگویی یا همان پاسخگویی ثانویه (حمید و یحیی، ۲۰۰۵) شامل پاسخگویی به تمام ذینفعان می‌شود و هیچ فرد ذینفعی نمی‌تواند مهم‌تر از دیگری باشد. انسان ابتدا در برابر خداوند (سبحانه و تعالی) برای همه اقداماتش پاسخگو است (سوره آل عمران، آیه ۲۵)؛^{۴۱} و ملاقات او با خدا قطعی می‌باشد. (سوره نور آیه ۴۲)^{۴۱} از این رو همه آنچه را که خداوند متعال او را به انجامش دستور داده است رعایت می‌کند و از آنچه خداوند متعال او را از انجامش منع کرده است خودداری می‌کند. با این آگاهی حسابداری اسلامی در روابطش با ذینفعان از دستورات خداوند (سبحانه و تعالی) پیروی می‌کند؛ بنابراین، او در قضاوتش شفاف و بی‌طرف است و اطلاعات قابل اعتماد، دقیق و عینی فراهم می‌کند. او در ارائه اطلاعات به مدیریت، دقیق و باملاحظه است، چرا که آگاه است که یک موقعیت حیاتی در اعتماد (امانت) را بر عهده دارد و تصمیم‌های او بسیاری از ذینفعان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (زید، ۲۰۰۰).^{۴۲}

۵. طلب سود، مطالبات سهامداران و دنبال کردن رستگاری

نظریه حداکثر کردن ثروت بر آن است که تصمیمات و استراتژی‌های اتخاذ شده باید در راستای افزایش بازده به سهامداران باشد. از سوی دیگر، در نظریه ذینفعان استدلال می‌شود که باید منافع همه گروه‌ها یا افرادی که می‌توانند بر روی دستیابی به اهداف تعیین شده یک سازمان تأثیر بگذارند یا تحت تأثیر آن قرار بگیرند، در نظر گرفته شود. از این رو تصمیم‌گیری و تدوین استراتژی باید شامل ترکیبی از این منافع شود. نظریه روشنفکرانه ذینفعان که این دو دیدگاه مخالف را با هم ادغام کرده است، حداکثر کردن ثروت را به عنوان هدفی بلندمدت می‌شناسد، درحالی‌که دیگر اهداف را ابزاری برای این تمرکز طولانی مدت می‌داند که می‌توانند در کوتاه‌مدت دنبال شوند.

نظریه پاسخگویی اسلامی که در پی رستگاری است بیشتر نوعی پالایش این نظریه‌ها برای پر کردن شکاف‌هاست. اسلام پیگیری سود را به‌عنوان یک هدف سازمان تجاری؛ اما نه به‌عنوان هدف نهایی می‌پذیرد. خداوند در سوره البقره (آیات ۲۰۱-۲۰۰) بین طلب زندگی این دنیا به‌تنهایی بدون میل به آخرت و طلب هر دو زندگی تمایز قائل می‌شود.

خداوند می‌فرماید: اما از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «پروردگارا! (نعمت‌های خود) را در همین دنیا به ما عطا کن!» و حال آنکه برای آن‌ها در آخرت نصیبی نیست (سوره البقره، آیه ۲۰۰)^{۴۳} و کسانی هستند که می‌گویند: «پروردگارا! در این دنیا آنچه را که خوب است به ما عطا کن و در آخرت آنچه را که خوب است به ما عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه‌دار» (سوره البقره، آیه ۲۰۱)^{۴۴}.

اولین آیه کسی را توضیح می‌دهد که فقط این زندگی را می‌خواهد و این مثال کسی است که تنها به دنبال سود کردن است، بدون اینکه به دنبال رستگاری باشد و تصمیم‌های او به دیگران آسیب می‌رساند. آیه دوم در مورد کسی است که رستگاری (زندگی این جهان و آخرت) را می‌خواهد و اینکه چگونه این (رستگاری) به دست می‌آید در زیر توضیح داده شده است.

خداوند متعال می‌فرماید: و در آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست ندارد (سوره القصص، آیه ۷۷).

علاوه بر این، خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال نموده بر خود حرام نکنید و (از مرز حلال به حرام هم) تجاوز ننمایید که همانا خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد (سوره المائده، آیه ۸۷)^{۴۵}.

این دو آیه در تحکیم این واقعیت است که دنبال کردن سود در معاملات کسب‌وکار در اسلام ممنوع نیست. باین‌حال، آیه اول نشان می‌دهد که سود به دست آمده باید در دستیابی به زندگی «خوب» در این دنیا و یک زندگی ابدی در آخرت استفاده شود. همان‌طور، آیه دوم نشان می‌دهد که چنین پولی باید به‌صورت قانونی به دست آمده باشد، به این معنی که فرآیند دخیل در منبع‌یابی برای پول نباید شامل ممنوعیت‌های خدا شود و خداوند منع می‌کند که ما در دستیابی به منافع خود به دیگران آسیب برسانیم. با استفاده از این شیوه است که طلب رستگاری مرزهای مشترکی با نظریه ذینفعان دارد. طلب حداکثر کردن ثروت نباید به‌طور منفی روی ذینفعان تأثیر بگذارد.

۶. تصمیم‌گیری در حسابداری مدیریت

در حسابداری مدیریت تصمیم‌گیری هم در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت انجام می‌گیرد. هدف هر تصمیم‌گیری به حداقل رساندن هزینه و حداکثر کردن سود است. تصمیم‌گیری بلندمدت در حسابداری مدیریت شامل انتخاب از میان راهکارهای مختلفی می‌شود که به‌طور مداوم طی یک دوره طولانی مدت منافع اقتصادی را به داخل واحد اقتصادی خواهند آورد. انتخاب راهکار در این زمینه شامل استفاده از روش‌های ارزش فعلی پرداخت‌ها و هزینه‌های آتی و ارزش تنزیل نشده پرداخت‌ها و هزینه‌های آتی می‌شود. این روش‌های مرسوم ارزیابی سرمایه‌گذاری، تکنیک‌هایی هستند که هدف حداکثر کردن ثروت را مهم می‌دانند. باین‌حال، برای رسیدن به هدف اجتماعی-اقتصادی اسلامی (رستگاری) این تکنیک‌ها باید پالایش شوند. مسئله این است که یک شرکت اسلامی که جزئیات مالی و غیرمالی آن باید با اصل پاسخگویی اسلامی مطابقت داشته باشد و در طلب رستگاری است، نباید تنها با هدف حداکثر کردن بازده به سهامداران تصمیم‌گیری کند یا استراتژی‌هایی را بر مبنای فقط حداکثر کردن سود سهامداران اتخاذ کند. تصمیم‌گیری باید یک تحلیل دقیق را دنبال کند که می‌تواند به

یک تعادل بین سهامداران و ذینفعان برسد. وقتی که یک پروژه ارزش فعلی خالص کمتر را گزارش می‌کند؛ اما نسبت هزینه-سود کمتری (به اشخاص ثالث) دارد، تصمیم مناسب انتخاب این پروژه خواهد بود. برای مثال می‌توان یک سرمایه‌گذاری را در نظر گرفت که ارزش خالص کنونی بالاتر با پرداخت کمتر به کارکنان و زیاد کار کردن آن‌ها به دست می‌آید، یا همچنین افزایشی در ثروت سهامداران با ناقص ارائه کردن یا به‌طور کامل نادیده گرفتن هزینه‌های پاک‌سازی فاضلاب‌های خطرناک یا عدم سرمایه‌گذاری کافی در فناوری‌های مربوط به کاهش انتشار زباله‌های سمی به محیط‌زیست قابل دستیابی است (کمال و همکاران، ۲۰۰۶).

حال فرض کنید شرکت آلفا دو پروژه الف و ب را برای تصمیم‌گیری جهت انتخاب یکی از آن‌ها پیش رو دارد. خالص ارزش فعلی پروژه الف ۱۰۰ میلیون ریال و خالص ارزش فعلی پروژه ب ۸۰ میلیون ریال است. در شرایط سرمایه‌گذاری اقتصادی فعلی انتخاب پروژه الف صحیح می‌باشد، حال فرض کنید پروژه الف آلودگی محیطی زیادی برای اهالی منطقه ایجاد می‌کند که باعث بیماری آن‌ها می‌گردد؛ ولی پروژه ب این آلودگی را ندارد، پس برای رسیدن به رستگاری انتخاب صحیح پروژه ب می‌باشد که حقوق العباد در آن رعایت شده است.

اسلام آسیب رساندن به محیط‌زیست و اخلال در نظم طبیعی تعیین‌شده توسط خداوند را منع می‌کند (سوره البقره آیه ۲۰۵)^{۶۶}.

اصل پاسخگویی اسلامی حسابداران را ملزم می‌دارد که با در نظر گرفتن اینکه چگونه تصمیمات آن‌ها اشخاص ثالث را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اثرات جانبی) به تحلیل بیشتر روش‌های ارزیابی سرمایه‌گذاری سنتی خود پردازند. در واقع، سرمایه‌گذاری‌ها با ارزش‌های خالص فعلی مثبت باید از نظر اندازه‌گیری هزینه-سود برای رسیدن به هدف اجتماعی-اقتصادی اسلامی (رستگاری) رتبه‌بندی شوند. رستگاری در مفهوم فنی به معنای انجام هر چیزی است که خداوند متعال به ما فرمان

داده است آن را انجام دهیم و همچنین انجام ندادن هر چیزی است که خدا ما را از انجام دادن آن ممنوع کرده است. از این رو وقتی که فرآیندهای تصمیم‌گیری تنها بر اساس میزان سود به دست آمده باشند و اثر منفی تصمیم‌های ما اهمیت کمتری داشته باشند، ما روی منع خدا پا گذاشته‌ایم؛ بنابراین ممکن است این موضوع مانعی برای رستگاری ایجاد کند.

با توجه به مطالب گفته شده از موارد بالا این واقعیت مشهود است که تصمیم‌ها و استراتژی‌های ما اساساً در مورد این هستند که چگونه کمترین هزینه یا بیشترین سود به دست خواهد آمد. این همان چیزی است که ما می‌خواهیم و اساساً از تمام فرصت‌ها برای عملی کردن این امر بهره‌برداری می‌کنیم. در مقابل، اسلام در ابتدا حق خدا را در هر تصمیم‌گیری رتبه‌بندی می‌کند، پس اگر خواسته فرد قبل از خواست خدا باشد به مثابه پرستش خواسته خود است (سوره الجاثیه آیه ۲۳)^{۴۷}. مرحله بعدی در نظر گرفتن نیازهای جامعه (حقوق العباد) است و سپس نیازهای فرد (حقوق النفس) می‌آیند. (حنیفه و همکاران، ۲۰۰۵) به عبارت دیگر، هر تصمیمی باید این سه مرحله عمده بررسی دقیق را طی کند.

حقوق الله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
حقوق العباد

حقوق النفس

شکل بالا یک رتبه‌بندی را نشان می‌دهد که باید اکیداً در تمام شاخه‌ها برای رسیدن به رستگاری دنبال شود.

نکته اساسی دیگر در حسابداری اسلامی هزینه‌های فرصت را نشان می‌دهد. سودهای (هزینه فرصت) ازدست‌رفته نباید فقط برحسب اهداف خود ما اندازه‌گیری شوند. در یک وضعیت خاص در حسابداری مدیریت، ما باید توجه کنیم چگونه کمبود عرضه محصول ما بر امت تأثیر می‌گذارد؛ آیا آن‌ها را مجبور به خرید محصولات حرام می‌کند؟ آیا آن‌ها را مجبور به خرید یک محصول گران‌تر می‌کند (کاهش قدرت خرید آن‌ها)؟ اگر ما واقعاً به دنبال موفقیت در این جهان و موفقیت در جهان آخرت (رستگاری) باشیم، همه این سؤالات ارزش توجه را دارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اصل پاسخگویی اسلامی مسیری برای تحقق دستیابی به رستگاری است. تصمیم‌هایی که باید برای رسیدن به رستگاری گرفته شوند، باید قبل از بهره خود فرد، ابتدا خدا را مدنظر باشد و سپس تأثیر نتایج تصمیم‌ها روی شخص ثالث را در نظر بگیرند.

انسان‌ها به‌طور طبیعی خودخواه هستند و برای انباشتن ثروت بدون در نظر گرفتن هزینه تلاش می‌کنند (سوره البقره آیه ۲۰۰)^{۴۸}. دستور کار سرمایه‌داری نیز به‌سادگی همین را دنبال می‌کند. از طرف دیگر، اسلام از یک دیدگاه متفاوت به مسائل می‌پردازد. به ما گفته شده است به دنبال بهره قانونی‌مان در این جهان باشیم، اما پس از آن، چنین دستاوردهایی، باید به سمت اهداف تعریف‌شده توسط خدا هدایت شوند. همین میل به دستیابی به این اهداف تجویز شده است که باعث می‌شود شیوه‌های حسابداری مدیریت متداول ابزار موردنیاز برای رسیدن به رستگاری را نداشته باشند. فقط شیوه‌های حسابداری مدیریت نیست که از این بیماری رنج می‌برد، بلکه کل سیستم نظریه و عمل حسابداری متداول دچار کمبود است. (عبدالقادر، ۱۹۹۴؛ آتر، ۲۰۱۰^{۴۹}؛ عسکری و جکلینگ، ۲۰۰۴^{۵۰}؛ بیدون و ویلت، ۲۰۰۰^{۵۱}؛ عامر، ۲۰۰۷^{۵۲}؛ سلیمان^{۵۳} و ویلت، ۲۰۰۱)

تصمیم‌گیری در شیوه حسابداری کنونی نفع عموم مردم یعنی (غیر سهامداران) را در نظر نمی‌گیرد و این امر به روشنی بیان شده است که شرکت‌ها علاوه بر حقوق سهامداران و حداکثر شدن سود آن‌ها باید دنبال سود عموم یعنی ذینفعان نیز باشند (مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها). این ایده، ایده بدی نیست؛ اما ایده‌های ما کاملاً با آنچه حامیان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای آن تلاش می‌کنند، متفاوت‌اند. یافته‌های ما روشی را ارائه می‌دهند که تأثیر فعالیت‌های ما بر اشخاص ثالث را در تصمیم‌گیری به رسمیت می‌شناسد. روش ما طوری بیان شده که در تصمیم برای فعالیت‌های واحد تجاری تأثیر آن بر روی ذینفعان از درجه بالاتری نسبت به سود که هدف نهایی است در نظر گرفته شده است. برای تأمین این نیاز، مقایسه سود- هزینه پیشنهاد شده است. چون سازمان ممکن است تنها به دنبال سود باشد؛ که برخلاف آموزه‌های اسلام نیست. اسلام در درجه اول نگران این است که چنین سودهایی چگونه به دست آورده شده‌اند و استفاده از آن‌ها در راستای اهداف مطلوب باشد (سوره القصص آیه ۷۸).

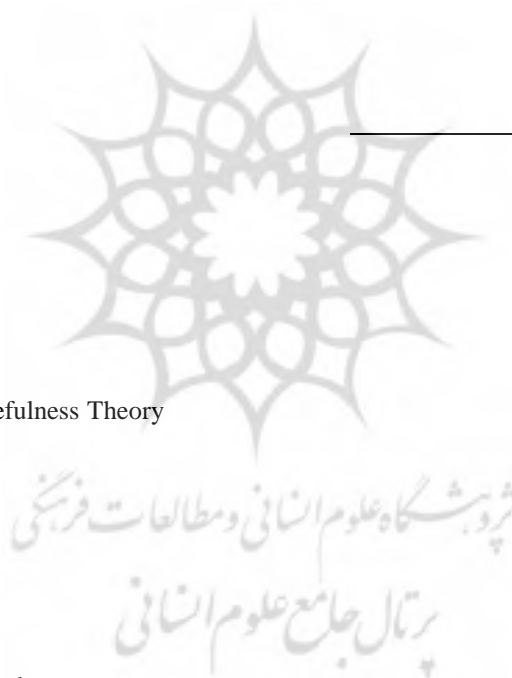
به‌طور خلاصه، برای رسیدن به هدف نهایی (رستگاری)؛ تصمیم‌گیری در یک زمینه اسلامی با توجه به سودها و مزایایی که صرفاً به شرکت تعلق دارند انجام نمی‌پذیرد. و این تصمیم بر اساس حداقل نسبت هزینه- سود خواهد بود.

در کل می‌توان چنین بیان کرد که یک سازمان ممکن است سرمایه‌گذاری خاص را از نظر ارزش فعلی خالص مثبتی که ارائه می‌دهد، برای سازمان ارزشمند بداند. حال ما این سرمایه‌گذاری را در قالب حسابداری اسلامی مورد آزمایش قرار می‌دهیم؛ از این رو اگر چنین پروژه‌ای یکی از پروژه‌های دو به دو ناسازگار باشد و ارزش فعلی خالص آن بالاترین مقدار را بیان کند، معیار تصمیم‌گیری حسابداری مدیریت فعلی نشان می‌دهد که این پروژه باید بهترین انتخاب باشد. در مقابل، در این مقاله مقایسه هزینه- سود برای پروژه‌های دو به دو ناسازگار سودآور جهت انتخاب نهایی بین بهترین گزینه‌ها پیشنهاد می‌شود. هزینه شامل تمام خروجی‌های وجه نقد مربوطه و اثرات جانبی منفی

هزینه برای غیر سهامداران، از جمله محیط زیست و جامعه در کل) می شود و سودها برحسب جریان پول نقد ورودی به سازمان اندازه گیری می شوند. اثرات جانبی منفی با در نظر گرفتن فرایند تصمیم ما از طریق فرآیند رتبه بندی شده حقوق الله؛ حقوق العباد (از جمله محیط زیست) و در نهایت حقوق النفس درک می شوند. در نهایت، پروژه دارای بالاترین ارزش فعلی خالص می تواند بالاترین نسبت هزینه- سود را داشته باشد و از این رو باید رد شود. در این مقاله نشان داده شد که از انتخاب های سودآور رقابتی، گزینه دارای حداقل نسبت هزینه- سود باید انتخاب شود، حتی اگر حداقل ارزش فعلی خالص را ارائه دهد.

یادداشت ها

1. Abdel Karim
2. Mirza
3. Baydoun
4. Haniffa
5. gambling
6. karim
7. Friedman
8. Jensen
9. Decision- Usefulness Theory
10. Maurer
11. Kam
12. Drury
13. Lucey
14. Kerlinger
15. Hendriksen
16. Belkaoui
17. Inanga
18. Feed- Forward
19. Campbell
20. Freeman
21. McVea
22. Donaldson
23. Preston
24. Malik Mirza
25. Iwan Triyuwono
26. Abudlgader Ahmed



27. Abdussalam Mahmoud Abu- Tapanjeh

28. Shaukat Amer

29. Sofri Bin Yahya

30. John Best

31. Siddiqqui

۳۲. وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ

لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

۳۳. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا

الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى

اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

34. Haniffa

35. Kamla

36. Lewis

37. Triyiwonu

38. Mirza and Baydoun

۳۹. لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ إِن تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفَوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفُرُ

لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۴۰. فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۴۱. وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

42. Zaid

۴۳. فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمَنْ نَسِيَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا

فِي الدُّنْيَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ

۴۴. وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

۴۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۴۶. وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ

۴۷. أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ

غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

۴۸. فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ

49. Ather
50. Askary and Jackling
51. Willett
52. Amer
53. Sulaiman

کتابنامه

قرآن کریم

رحمان، شادیه و سید حسن صالح نژاد (۱۳۸۴)، «استاندارد های حسابداری اسلامی»، پیک نور، سال سوم، شماره سوم، ص ۱۱۷.

جابرزاده، فرهاد و داریوش مختاری (۱۳۸۸)، «تأثیر ربا و زکات بر حسابداری اسلامی»، حسابدار، شماره ۲۱۳، ص ۴۸.

- Zayyad Abdul- Baki (2013), "Islamic Perspective of Management Accounting Decision Making Technique", *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. 4, No. 2, pp. 203-219
- AAOIFI (1996), *Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institutions*, Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions , Manama.
- Abdel Karim, R.A (2001), "International Accounting Harmonization, Banking Regulation, and Islamic Banks", *the International Journal of Accounting*, Vol. 36, pp. 169-193.
- Abudlgader, E.A (1994), "Accounting Postulates and Principles From an Islamic Perspective", *Review of Islamic Economics*, Vol. 13 No. 2, pp. 1-18.
- Abu-Tapanjeh, A.M (2009), "Corporate Governance from the Islamic Perspective: a Comparative, Analysis with OECD principles", *Critical Perspective on Accounting*, Vol. 20, pp. 556-567.
- Amer, S (2007), "Development of Islamic accounting theory: principle of Shahadat° second, principle", *International Review of Business Research Papers*, Vol. 3 No. 3, pp. 56-68.
- Askary, S. and Jackling, B (2004), *A Theoretical Framework of Analysis of Accounting Propensity*, in Different Religions, Paper Presented at the

- Fourth Asia Pacific Interdisciplinary, Research in Accounting Conference.
- Baydoun, N. and Willett, R (2000), "Islamic Corporate Reports", *Abacus*, Vol. 36, No. 1, pp. 71-90.
- Belkaoui, A.R (2004), *Accounting Theory*, Cengage Learning EMEA, Andover.
- Campbell, D. (2008), *all about stakeholders*, Student Accountant, February, part 2, pp. 64-66.
- Donaldson, T. and Preston, L.E. (1995), "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications", *the Academy of Management Review*, Vol. 20 No. 1, pp. 65-91.
- Freeman, R.E. and McVea, J (2001), *a stakeholder Approach to Strategic Management*, Darden Graduate School of Business Administration Working Papers.
- Friedman, M. (1970), *the Social Responsibility of Business Is to Increase Its profits*, The New York Times Magazine, 13 September.
- Gambling, T.E. and Abdel Karim, R.A. (1986), "Islam and Social Accounting", *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 13 No. 1, pp. 39-50.
- Hameed, S.I. (2000), "Nutured by Kufr: the Western philosophical assumptions underlying, conventional (Anglo- American) Accounting", *International Journal of Islamic Financial, Services*, Vol. 2 No. 2.
- Hameed, S.I. and Yaya, R. (2005), "The Emerging Issues on the Objectives of Islamic Accounting for Islamic Business Organizations", *Malaysian Accounting Review*, Vol. 4 No. 1, pp. 75-80.
- Haniffa, R. (2002), "Social Responsibility Disclosure: an Islamic Perspective", *Indonesian Management Accounting Research*, Vol. 1 No. 2, pp. 128-146.
- Haniffa, R, Hudaib, M. and Mirza, A.M (2005), "UQUD and Accounting Policy Choice", Bradford School of Management Working Papers, Vol. 5 No. 15.
- Hendriksen, E.S (1977), *Accounting Theory*, 5th ed., Richard D. Irwin, Homewood, IL.
- Inanga, E.L. (1998), "Linking Research in Accounting and Finance with Accounting Practice", *Maastricht School of Management Research Paper*, Vol. XVIII.
- Inanga, E.L. and Schneider, W.B. (2005), "The Failure of Accounting Research to Improve, Accounting Practice: a Problem of Theory and Lack of Communication", *Critical Perspectives on Accounting*, Vol. 16, pp. 227-248

- Jensen, M.C. (2001), "Value Maximisation, Stakeholder Theory and the Corporate Objective, Function", *European Financial Management*, Vol. 7, No. 3, pp. 297-317.
- Kamla, R. (2009), "Critical Insights into Contemporary Islamic Accounting", *Critical Perspectives, on Accounting*, Vol. 20, pp. 921-932.
- Kamla, R., Gallhofer, S. and Haslam, J. (2006), "Islam, Nature and Accounting: Islamic Principles and the Notion of Accounting for the Environment", *Accounting Forum*, Vol. 30, pp. 245-265.
- Lewis, M.K. (2005), "Islamic Corporate Governance", *Review of Islamic Economics*, vol. 9, No. 1, pp. 5-29.
- Maurer, B. (2002), "Anthropological and Accounting Knowledge in Islamic Banking and Finance: Rethinking Critical Accounts", *Journal of Royal Anthropological Institute*, vol. 8, pp. 645-667.
- Mirza, M. and Baydoun, N. (1999), "Do Islamic Societies Need Their Own Accounting and Reporting standards?", *Journal of the Academy of Business Administration*, Vol. 4 No. 2, pp. 39-45.
- Sulaiman, M. and Willett, R. (2001), "Islam, Economic Rationalism and Accounting", *the American Journal of Islamic Social Sciences*, vol. 18 No. 2.
- Tricker, R.I. (1978), "Research in Accounting", Arthur Young Lecture No. 1, Glasgow University, Press, Glasgow.
- Triyiwonu, I. (2004), "Trust (Amanah), the Divine Symbol: Interpretations in the Context of Islamic Banking and Accounting Practices", Paper Presented at the Fourth Asia Pacific, *Interdisciplinary Research in Accounting Conference*.
- Zaid, O.A. (2000), "Appointment Qualifications of Muslim Accountants in the Middle Ages", *Accounting Education*, Vol. 9 No. 4, pp. 329-342.